

نگاهی اجمالی به روش تفسیری شهید مطهری

حمید فغفور مغربی

بررسی کار سترگ استاد علامه مطهری چیزی نیست که بتوان از آن به راحتی سخن گفت. او به حق ستاره ای درخشان است که بر تارک حوزه و دانشگاه می درخشد. مطهری کسی است که امام خمینی(ره) درباره ایشان می گوید:

(مرحوم مطهری در اسلام شناسی و متون مختلفه اسلام و قرآن کریم بی نظیر بود. از شخصیت هایی بود که حاصل عمرم محسوب می شد.)^۱

و نیز:

(آثاری که از اوست، بی استثنا همه آثارش خوب است، و من کس دیگری را سراغ ندارم که بتوانم بگویم بی استثنا آثارش خوب است.)^۲

علامه طباطبایی(ره) درباره ایشان می گوید:

(مرحوم مغفور مطهری دانشمندی متفکر و محقق که دارای هوش سرشار و فکری روشن و ذهنی واقع بین بود. تألیفاتی که از خود به یادگار گذاشته و تحقیقاتی که در اطراف مقاصد علمی و برهانی

نگاشته و در لابلای کتابهایش به چشم می خورد، اعجاب آور است.)^۳

آیت الله خوئی(ره) درباره ایشان می گوید:

(مطهری بحر مواجی است.)^۴

و آیه الله خامنه ای درباره ایشان می گوید:

(استاد مطهری به حق یکی از بزرگ ترین معماران بنای فکری نظام اسلامی به حساب می آید. آثار

استاد شهید مطهری مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی است.)^۵

عصر و زمانه استاد مطهری

شناخت شیوه تحقیق احیاگران بزرگ دینی و نقش و تأثیر آنها بدون شناخت دوران آنها ممکن نیست. استاد مطهری به راستی فرزند حوزه بود و توانایی ها و ضعف های آن را به خوبی شناخته بود.

از سوی دیگر ایشان با محیط های روشنفکری و دانشگاهی که به علت ناآگاهی از جامعیت اسلام تحت تأثیر افکار مارکسیستی یا التقاطی قرار گرفته بودند و همچنین افکار و فلسفه های غربی که از راه ترجمه و استادانی که در غرب تحصیل کرده بودند به عرصه فرهنگی کشور راه یافته بود، به خوبی مطلع بود. همچنین از شور و عشق جوانان دانشگاهی به اسلام ناب و سئوالات و شبهات فراوان در مباحث دینی بویژه مباحث اجتماعی آن آگاه بود.

استاد مطهری پس از احساس مسئولیت نسبت به جامعه خود، نخست به تحلیل اوضاع و مشکلات موجود نشست و سپس به ارائه راه حل ها پرداخت.

از نوشته های استاد چنان به دست می آید که دغدغه اصلی ایشان بررسی عوامل انحطاط مسلمین است و سه عامل اصلی این مهم را واژگونی حقایق دینی در نظر مردم، و ضربه و زیان جموداندیشی و تحجر مدعیان حمایت دین، و هجوم عوامل بیگانه که مهم ترین آنها استعمار غربی است می شناسد.

استاد شهید مطهری در ریشه یابی خود، راه حل این مشکل را آگاهی بخشی فرهنگی و اجتماعی تشخیص داده و همه تلاش خود را و رسالت خویش را در همین راه به کار بسته و تفسیر موضوعی و ترتیبی استاد در راستای همین رسالت است.

آثار تفسیری استاد مطهری

در نظر اول ممکن است گمان شود مجموعه آشنایی با قرآن که تا کنون هفت جلد آن منتشر شده همه کار ایشان در زمینه تفسیر بوده است، ولی با دقت بیشتر ملاحظه می کنیم استاد دو نوع یا دو شیوه کار تفسیری را برگزیده است؛ یکی تفسیر موضوعی و دیگری تفسیر ترتیبی. تفسیر موضوعی ایشان را باید بحث های تخصصی در موضوع خاصی از قرآن و اسلام مانند نظام حقوق زن در اسلام مسأله حجاب، عدل الهی، فطرت، جامعه و تاریخ و... دانست و تفسیر ترتیبی استاد همان مجموعه آشنایی با قرآن است که تاکنون هفت کتاب آن منتشر شده است.

می توان ادعا کرد حجم استفاده استاد در مجموعه آثار خود از قرآن به حدی است که می توان یک دوره از تفسیر قرآن مطالب استاد تهیه نمود.

روش تفسیری استاد

ایشان در جلد اول آشنایی با قرآن که با عنوان شناخت قرآن به طور مستقل نیز منتشر شده است، ابتدا به ضرورت شناخت قرآن و سپس اقسام آن و آن گاه شرایط آشنایی با قرآن می پردازند. این بحث که مقدمه مباحث قرآنی و تفسیر ترتیبی ایشان به دستور خود ایشان قرار گرفته است در شرایطی در دانشگاه انجام شد که شعار بازگشت به قرآن با توجه به شرایط عقیدتی روز، و تا اندازه ای تحت تأثیر مهندس بازرگان و دکتر شریعتی در محیط دانشجویی مطرح شده بود. این موج مثبت، زمینه گسترش کلاس های عربی و جلسات تفسیری توسط استاد و شهید دکتر بهشتی و شهید دکتر مفتاح نیز گردیده بود، و این کار استاد زمینه تصحیح حرکت و شعار بازگشت به قرآن را فراهم ساخت.

ایشان در این بحث با اشاره به ضرورت شناخت قرآن می نویسد:

(منبع اصلی و اساسی دین و ایمان و اندیشه یک مسلمان و آنچه که به زندگی او حرارت و معنی و حرکت و روح می دهد قرآن است). ۶

درباره شناخت و نگرش یک محقق بی طرف اشاره می نماید که ابتدا باید شناخت سندی یا انتسابی آن را بررسی کرد:

(انتساب کتاب به نویسنده آن تا چه حد و اندازه قطعی است؟... در میان کتاب های قدیمی کتاب دیگری نتوان یافت که قرن ها بر آن گذشته باشد و تا این حد بلاشبهه باقی مانده باشد.)^۷ سپس به شناخت تحلیلی آن توجه می دهد و می نویسد:

(باید ببینیم قرآن مجموعاً مشتمل بر چه مسائلی است و آن مسائل را چگونه عرضه کرده است، استدلالات و احتجاجات قرآنی در زمینه های مختلف چگونه است؟)

آن گاه به شناخت ریشه ای می پردازد و می نویسد:

(آیا مطالب و محتویات کتاب، فکر بدع نویسنده آن است یا آن که از اندیشه دیگران وام گرفته شده است... پای مقایسه و شناخت تاریخی به میان می آید، به این معنی که باید قرآن را با تمام محتویاتش با کتاب های دیگری که در آن زمان وجود داشته و بخصوص کتاب های مذهبی آن زمان مقایسه کنیم.)^۸

در نهایت استاد از مجموع بررسی ها به مهم ترین اصالت قرآن که اصالت الهی یعنی معجزه بودن قرآن است می رسد.

ویژگی مهمی که در آثار تفسیری موضوعی و ترتیبی استاد تأثیر بسزایی گذاشته آن است که علوم گوناگون اسلامی از فقه، اصول، حکمت، عرفان، حدیث به خصوص نهج البلاغه، تاریخ، مسائل اجتماعی - فرهنگی، ادبیات فارسی و عربی را به خوبی مسلط و آشنا است و این جامعیت، آثار او را کم نظیر ساخته است.

ویژگی های روش تفسیری استاد

ویژگی های روش تفسیری استاد را در محورهای زیر می توان برشمرد:

۱. توجه به شیوه تفسیر قرآن به قرآن با گرایش معنی شناسی زبان

استاد، تحت تأثیر علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان تأکید بر این روش دارد و می نویسد:

(مقدمهً باید عرض بکنم که این جمله را باید همیشه در نظر داشته باشیم که: القرآن یفسر بعضه

بعضاً، قرآن بعضی از آیات آن تفسیر کننده و توضیح دهنده بعضی آیات دیگر است.)^۹

و آن را شیوه ائمه اطهار(ع) از قول برخی مفسران بزرگ می داند. ایشان در چند مورد، منظور از تفسیر قرآن با قرآن را توضیح بیشتری داده از جمله:

(نکته مهمی که در بررسی قرآن باید به آن توجه داشت این است که در درجه اول می باید قرآن را به کمک خود قرآن شناخت، مقصود این است که آیات قرآن مجموعاً یک ساختمان به هم پیوسته را تشکیل می دهند.)^{۱۰}

در جای دیگر می گوید، تفسیر قرآن به قرآن این است که (آیات محکمت، توضیح دهنده و تفسیر کننده متشابهات می باشد).^{۱۱}

استاد در جای دیگر اشاره دارد که منظور این است که قرآن زبان خاص خود را دارد. در این مورد می نویسد:

هر مکتب زبان مخصوص به خود دارد، برای درک مفاهیم و مسائل آن مکتب باید با زبان مخصوص آن مکتب آشنا شد. از طرف دیگر برای فهم زبان خاص آن مکتب باید در درجه اول بینش کل آن را درباره هستی و جهان و قیامت و انسان و به اصطلاح جهان بینی آن را به دست آورد. ۱۲ منظور استاد آن است که شناخت زبان دین، شناخت زبان قرآن است. اساساً قرآن زبان خاص و اصطلاحات خاص خود را مطرح کرده است که بر اساس اصطلاحات عرف عام نیست و این همان بحث معنی شناسی است که در زبان شناسی دینی اخیراً مطرح شده است. به گفته آیت الله معرفت، معنای قرآن بر اساس عرف عام، ترجمه قرآن است، ولی تفسیر قرآن نیست. تفسیر قرآن نیاز به شناخت زبان خاص قرآن را دارد. ۱۳

۲. تفسیر اجتهادی و عقلی از قرآن

استاد تفسیر اجتهادی و عقلی را که مبتنی بر درایت نسبت به آیات و با استفاده از روایات باشد صحیح می داند.

ایشان روش های ظاهرگرایی، اخباری گری، باطنی و تأویل در قرآن را ردّ می کند. گاه شیوه اخباریان را که فقط فهم معانی تحت اللفظی آیات را مورد توجه قرار می دهند و عقل را تعطیل می کنند، رد می کند و آن را نوعی برداشت عامیانه و سطحی از قرآن می داند که به تجسم و رؤیت خدا با چشم و صدها اعتقاد انحرافی می رسیدند. ۱۴

گاه شیوه تأویل باطنی ها از قرآن را محکوم می نماید که اسماعیلیه و متصوفه قهرمانان آن بوده اند: (قرآن در برابر جمود و خشک اندیشی اخباریون و نظایر آنها و همچنین در مقابل انحرافات و برداشت های ناروای باطنیه و دیگران، راه وسطی پیشنهاد می کند که عبارت است از تأمل و تدبّر بی غرضانه و منصفانه). ۱۵

استاد عقل را حجت می داند و حجیت و سندیت آن را که مورد پذیرش بیشتر علمای اسلام است با قرآن اثبات می کند و می فرماید:

(قرآن در موارد فراوان به تعقل دعوت نموده و نیز مسائل را در ارتباط علی و معلولی آنها بیان می نماید و نیز گاه فلسفه احکام را ذکر نموده است، و البته قرآن لغزش های عقل را نیز مورد توجه و بررسی قرار داده است). ۱۶

استاد در جای دیگر می نویسد:

(گاه مخاطب قرآن، عقل انسان است و قرآن با زبان منطق و استدلال سخن می گوید).

در نگرش استاد، توجه به عقل مانع از آن نیست که قلب مورد بی مهری قرار گیرد.

استاد در این مورد می نویسد:

(قرآن برای خود دو زبان قائل می شود، گاهی خود را کتاب تفکر و منطق و استدلال معرفی می کند، و گاهی کتاب احساس و عشق). ۱۷

استاد از یکی از زبان ها به زبان عقل و از دیگری به زبان دل تعبیر می کند.

این موضوع از راه بررسی فطرت - که از دیدگاه استاد ام‌المعارف است - نیز به همین نتیجه می‌رسد و استاد فطرت را به دو شاخه اساسی فطرت عقل و فطرت دل تقسیم می‌کند. همچنین در بحث اعجاز قرآن، آن را به دو بخش عمده، یکی اعجاز لفظی و دیگری اعجاز معنوی تقسیم می‌کند که اینها نیز به زبان دل و زبان عقل مرتبط می‌شوند.

۳. استفاده از روایات معتبر

استاد تصریح می‌کند که:

(از شرایط آشنایی با قرآن، آشنایی با سخنان پیامبر اکرم (ص) است. ایشان به نص خود قرآن، اولین مفسر این کتاب است. مفسر یعنی بیان کننده... و اما برای ما که شیعه هستیم و به ائمه اطهار معتقدیم و اعتقاد داریم آنچه را که پیامبر از ناحیه خدا داشته به اوصیاء گرامی اش منتقل کرده است، روایات معتبری که از ائمه رسیده نیز همان اعتبار روایات معتبری را دارد که از ناحیه رسول خدا رسیده است. و لهذا روایات موثق ائمه کمک بزرگی است در راه شناخت قرآن.) ۱۸

به عنوان نمونه استاد در جلد هفتم آشنایی با قرآن در تفسیر آیات از روایات بسیاری سود جسته است. البته تفسیر ایشان را تفسیر روایی نمی‌توان نامید. در تفسیر روایی اصطلاحی تنها مراجعه به اخبار و احادیث را جایز می‌دانند و این شیوه اخباریان است و هر جا در ذیل هر آیه حدیثی وجود داشت از ذکر آیه خودداری می‌کنند، ولی استاد به این شیوه معترض است و این عمل را نوعی ظلم و جفا بر قرآن می‌داند. ۱۹

جالب است که ایشان به روشنی دفاع از تفسیر ائمه (ع) را نه به دلیل تبعیت کورکورانه می‌داند و می‌نویسد:

(اینکه ما تابع تفسیر اهل بیت هستیم، به معنای این نیست که اهل بیت آیات را به میل خود تفسیر کرده‌اند و ما هم می‌گوییم چون آنها این طور گفته‌اند پس همین طور درست است، نه تفسیر آنها نسبت به تفسیری که دیگران کرده‌اند بهتر است، یعنی با مضمون آیه و سایر آیات موافق تر است.) ۲۰

البته استاد، گاه از روایات اهل سنت در تأیید مطالب یا به طور مستقل نیز استفاده می‌کند. ۲۱

۴. بررسی تاریخچه موضوع

استاد در همه بحث‌های کلیدی به تاریخچه موضوع می‌پردازد و این ویژگی را از استاد خویش آیت الله بروجردی (ره) آموخته است؛ مثلاً در بحث پرستش به تاریخچه بت پرستی می‌پردازد، یا در مسأله نحوست ایام با دقت به نمونه‌های تاریخی متعدد توجه دارد. در بررسی موضوع فطریات انسان، عشق و پرستش، حجاب و نظام حقوق زن، بحث خمس و انفال، و بسیاری موضوعات دیگر تاریخچه آن را در میان مسلمانان و گاه در میان بشریت مورد بررسی قرار می‌دهد. ۲۲

۵. توجه به لغت و واژه

دقت استاد در ریشه یابی واژه ها، مفهوم آنها و گاه بررسی تاریخچه لغت، و گاه مقایسه لغت در فارسی و عربی و نکته سنجی هایی از این دست قابل توجه است. ایشان آشنایی با زبان عربی را برای شناخت قرآن، مانند دانستن زبان فارسی برای شناخت حافظ و سعدی می دانند.
 به عنوان نمونه واژه های حواری، غنیمت، توفی، خلیل، عبادت، جزیه، سیره، طوبی، تفأل و تطییر از سوی استاد مورد بررسی لغوی قرار گرفته است. ۲۳

به طور مثال: ریشه لغت الله اگر از آله یا از ولة باشد معنی فرق می کند و احتمال قوی دارد که اله و وله دو لهجه از یک لغت باشند. در فارسی مترادف آن را نداریم، زیرا اگر به جای الله، خدا بگذاریم رسا نیست، چون خدا مخفف خود آی است، یعنی واجب الوجود که یک ش آن از شوون الله است. این نام، جامع همه صفات کمالیه است. ۲۴ و نیز مثال دیگر، سماء در عربی مساوی آسمان فارسی نیست، سماء در عربی یعنی بالا به هر اعتباری که باشد، ولی در فارسی آسمان مرکب از آس و مان است، آس مانند سنگ آسیاب و مان مفهوم فلک می دهد، یعنی فلک مثل سنگ آسیا می چرخد. ۲۵

۶. توجه به تاریخ صدر اسلام و تطبیق بر نمونه های تاریخی جدید
استاد یکی از شرایط آشنایی با قرآن را آشنایی با تاریخ اسلام می داند، چنان که علامه طباطبایی نیز در کتاب قرآن در اسلام به این نکته تصریح دارد. استاد مطهری دلیل آن را ماهیت نزول قرآن می داند، زیرا قرآن مثل تورات و یا انجیل یکباره از سوی پیامبر عرضه ن شده است، بلکه این کتاب در طول ۲۳ سال دوران پیامبر - از بعثت تا وفات - در خلال جریان پر هیجان تاریخ اسلام نازل شده است و از همین رو آیات قرآن شأن نزول دارند. ایشان اصل توجه به شأن نزول را در تفسیر قرآن، توجه به تاریخ پیامبر اسلام و مسلمین می داند که خود ج امع تر از شأن نزول است، زیرا شأن نزول، شرایط خاص هر حادثه مورد توجه قرار می دهد. البته ایشان همچون بسیاری از مفسران از جمله علامه طباطبایی قائل است شأن نزول معنای آیه را محدود نمی کند، بلکه تا اندازه زیادی در روشن شدن مضمون آیات مؤثر و راهگشا است. ۲۶
به عنوان نمونه در بررسی مسأله نفاق، به ویژگی های آن در قرآن و نمونه های تاریخی آن پرداخته و آن را با انفاق جدید و امروزی مقایسه می نماید.

بررسی مسأله هجرت، بررسی سوره براءت و اصل براءت، بحث بیعت در سوره فتح، سرنوشت ناسپاسی در مقابل نعمت هدایت در اقوام پیشین و نمونه آن در جنگ بدر از این دست می باشند. ۲۷

۷. توجه به آهنگ هر سوره
استاد سوره های قرآن را از نظر آهنگ، گونه گون می داند و اختلاف آهنگ ها را بسته به محتوا و مضمون آن سوره می داند و نه به کوتاهی و بلندی آنها، مثلاً آهنگ سوره حمد که حالتش عبادت و مناجات است آهنگ مخصوصی است خیلی نرم و ملایم، خیلی خاضعانه و عابدانه است. ۲۸

۸. توجه به هدف یا اهداف هر سوره

چنین به نظر می رسد استاد برای هر سوره هدفی خاص یا هدف های خاصی قائل است که این اهداف را با آهنگ هر سوره بلکه با تعداد آیات آن متناسب است، بدین معنی که خداوند در هر سوره میزانی از آیات و موارد را می آورد که هدف یا اهداف او را تأمین کند، و در ادامه می نویسد: (همه سوره قمر یک روح دارد، حتی در این سوره چند داستان آمده، ولی صورتی که این داستان ها در این سوره دارند با صورتی که همین داستان ها در سوره های دیگر قرآن دارند فرق می کند، یعنی در آنجاها به جزئیات هم تا حدی پرداخته شده، ولی در اینجا قطعه های مختصری از داستان ها را آورده تا حدی که به آن روح کمک کند. حال روح این سوره چیست؟ روح این سوره مطلبی است که کلی آن در قرآن به این صورت بیان شده: (لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید). اگر بشر در مقابل نعمت ها و انعام های الهی حالت سپاسگزاری و حق شناسی و ق دردانی داشته باشد سنت الهی بر این است که آن نعمت ها و انعام ها را افزایش بدهد و اگر کفران و قدرناشناسی و حق ناشناسی کند نه تنها موجب زوال آن نعمت است، بلکه موجب پیدایش یک نعمت هم به جای آن هست... چون سوره در مکه نازل شده این [مطلب کلی] ناظر به کفار قریش است که عذاب الهی به شما هم قطعاً خواهد رسید و در اینجا از جنگ بدر خبر می دهد). استاد در پایان نکته ای را نیز بر آهنگ هر سوره و هدف هر سوره می افزاید که درخور توجه است: (اگر یک مطلب با زبان فصیح باشد و با آهنگ متناسب با خودش هم قراءت بشود اثرش مضاعف می شود، حال اگر خود مطلب هم با قلب انسان پیوند و اتصالی داشته باشد، یعنی زبان فطرت انسان باشد، این دیگر نور علی نور خواهد شد. قرآن چنین است؛ اصلاً قرآن بقای خودش را مدیون هم نیست. سه جهت است.) ۲۹

۹. نگاه اصلی و جنبی به تفسیر موضوعی

از مجموعه آثار استاد بر می آید که ایشان تفسیر موضوعی را مکمل تفسیر ترتیبی می داند و مانند علامه طباطبایی در المیزان در جریان تفسیر ترتیبی، موضوعات کلیدی را به طور مشروح تر و با توجه به تمامی قرآن بررسی می نماید؛ از جمله در ذیل تفسیر سوره انفال، واژه کلیدی توقی و هجرت را به طور موضوعی مورد بررسی قرار می دهد. در سوره انفال ذیل آیه ۵ (و لوتری إذ یتوقی الذین کفروا الملائکة...) در مورد توقی پس از بحث لغوی به توقی نفس و روح می پردازد و از آیات دیگر شاهد می آورد و سرانجام چنین جمع بندی می کند: (کلمه توقی از ماده وفات است نه از ماده فوت، فوت معنایش از دست رفتن است، می گوییم نماز من فوت شد... توقی درست نقطه مقابل فوت را می رساند، یعنی چیزی را قبض کردن و تمام تحویل گرفتن). استاد توقی را با این معنی دلیل بر مسأله روح می داند و نیز به جوانب آن که عالم برزخ باشد نیز می پردازد. ۳۰

در همین سوره به مناسبت آیه (ان الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا...) بحث هجرت را به روش موضوعی و با بیان تاریخچه آن در اسلام و انواع آن مطرح کرده، با حدیثی از امام علی (ع) می نویسد:

(الهجرة قائمة علی حدّه الأول، هجرت به همان حد اولی که بوده است امروز هم باقی است، یعنی یک مسلمان از آن جهت که مسلمان است اسلام به او اجازه نمی دهد که بدون موجب برود در بلاد کفر زندگی بکند، بگوید من زندگی آنجا را خوش تر دارم... .

البته این امر همان طور که عرض کردم تابع شرایط و اوضاع و احوال است. گاهی چند خانواده مسلمان حرکت می کنند می روند به یکی از بلاد کفر و آنجا زندگی می کنند، ولی خودشان در آنجا یک هسته می شوند، یعنی حکم بذری را پیدا می کنند که به تدریج رشد می کند، و بسیاری از کشورهای امروز اسلامی مولود همین گونه مهاجرین و مهاجرت های هدفدار بوده است.)
نمونه این موارد در آثار تفسیری استاد قابل توجه است، به عنوان نمونه، مسأله نفاق، اذن الهی، مسأله معجزه و تسبیح موجودات را می توان برشمرد. ۳۱

همچنین تفسیر یک موضوع مستقل که گاه خود مفصل بوده و سخنان مخالفان در آن موضوع نیاز به بررسی داشته و همچنین جنبه های اجتماعی و کاربرد آن بیشتر بوده به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه مسأله حجاب، نظام حقوق زن در اسلام، فطرت و... یا موضوع ات ریزتر مانند زهد در اسلام، حق و باطل و... در حدّ یک مقاله به طور جداگانه آمده است. ۳۲

۱۰. تقسیم آیات یک سوره به بخش های گوناگون

استاد در تفسیر موضوعی یا ترتیبی، آیه هایی را که یک موضوع واحد، پیام واحد و روح واحد دارند تفکیک می نماید و این کار بدین معنی است که ایشان بخش هایی که دارای سیاق واحد هستند در یک موضوع خاص قرار می دهد، نمونه این کار در بررسی سوره انفال و سوره نوردی ده می شود. سیاق در اصطلاح اهل ادب به طرز جمله بندی که برگرفته از نظم خاص کلمات است گفته می شود، به گونه ای که علاوه بر معنای هر یک از کلمه ها و معنای جمله، معنای دیگری را نیز برای جمله به همراه می آورد. این بحث در ادبیات، علم اصول، تفسیر و زبان شناسی مورد بررسی قرار گرفته است و حجیت دلالت سیاق را عموماً برگرفته از سیره عقلا دانسته اند.
و در تعریف دقیق آن چنین آمده است:

(سیاق عبارت است از نشانه هایی که معنی لفظ مورد نظر را کشف کند، چه این نشانه ها، نشانه های لفظی باشند، مانند کلماتی که با لفظ مورد نظر، کلام واحدی را با اجزاء به هم پیوسته و مرتبط به یکدیگر تشکیل می دهند، و چه این نشانه ها قرائن حالیه ای باشند که کلام را در برگرفته بر معنای خاصی دلالت کنند.) ۳۳

۱۱. اهتمام به مفاهیم کلیدی تفسیر

استاد در مورد مفاهیم کلیدی تفسیر اهتمام بسیاری دارد، از جمله درباره کاربرد محکم و متشابه می نویسد:

(سرّ مطلب این است که برخی مسائل مطروحه در قرآن به خصوص آنجا که سخن از امور غیب و ماوراء الطبیعه است، اساساً با الفاظ قابل بیان نیستند... اما از آنجا که زبان بیان قرآن همین زبان بشری است، ناگزیر آن موضوعات لطیف و معنوی با عباراتی بیان شده اند که بشر برای موضوعات مادی به کار می برد. لکن برای جلوگیری از سوء فهم، مسائل در بعضی آیات به گونه ای طرح شده که می باید حتماً به کمک آیات دیگر تفسیر گردد و غیر از این راهی وجود نداشته است... آیات متشابه برای فهمیدن و تدبر کردن هستند، اما در آنها باید به کمک آیات محکم تدبّر کرد.) ۳۴

مثلاً آیه (وجوه یومئذ ناضرة. الی ربها ناظرة) با توجه به آیه (لاتدرکه الأبصار وهو یدرک الابصار) به معنای رؤیت و شهود خدا با قلب است.

استاد در مجموعه سخنان تفسیری خود تا آنجا که جست وجو کرده ام هیچ گاه بحث تأویل و تنزیل به کار نبرده است، ولی مفهوم آن را به گونه ای که علامه طباطبایی در کتاب قرآن در اسلام آورده بیشتر با نام روح سوره و آیه استفاده نموده است.

۱۲. نمودار ساختن روایات بنی اسرائیلی

دقت در کاربرد مجموعه احادیثی که استاد در آثار تفسیری خود آورده نشان می دهد، یا احادیث مستند و معتبر را ذکر کرده است، یا احادیثی را که مضمون آن مورد پذیرش بوده و قابل دفاع عقلانی باشد. و در مواردی بعضی روایات را اسرائیلی و بی اعتبار می داند، مانند جریان قصه عشق داود به زن اوریا. ۳۵

۱۳. بررسی آیات الاحکام به شیوه فقها، ولی با گرایش اجتماعی

استاد به دلیل تسلط بر فقه و آیات الاحکام و نیز شناخت جامعه و نیازها و به طور کلی گرایش اجتماعی و کاربردی به شیوه خاص، این نوع آیات را تحلیل می نماید:

مثلاً در بحث خمس از آیه (واعلموا أنّما غنمتم من شیئ فأَنّ لله خمسہ...) پس از طرح نظر شیعه و سنی به طور تطبیقی در مراحل چهارگانه بحث را بررسی کرده است؛ در مرحله اول، به بحث لغوی می پردازد و می گوید، غنم، یغنم عام است و اختصاص به غنائم دارالحرب ندارد، و کاربرد واژه در قرآن مانند مغنم نیز عام است و نیز در حدیث، از جمله حدیثی که اهل سنت آورده اند نیز معنای عام دارد، و نیز در کتاب لغت. حتی صاحب المنجد که مسیحی است واژه غنم را در مطلق سود به کار برده است که نظر شیعه را تأیید می کند.

نتیجه مهم بررسی واژه این است که مطابق نظر اهل سنت، خمس یکی از فروع جهاد است و اهمیت چندانی ندارد، ولی در شیعه خود حکم اصیل است.

مرحله دوم، تقسیم خمس است که اهل سنت پنج قسمت و شیعه شش قسمت می کند. (فَأَنّ لله خمسہ و للرسول و لذی القربی والیتامی و المساکین و ابن السبیل) اهل سنت ذکر خدا را تشریفاتی

می دانند، ولی شیعه ذکر نام خدا و حتی نام پیامبر را برای شخص پیامبر نمی دانند، و در نهایت به شش سهم تقسیم می کردند.

مرحله سوم، مصرف خمس است، که شیعه سه سهم اول خدا، پیامبر و امام که به سهم امام مشهور است برای مصالح عمومی می دانند. و در همین جا استاد به بحث انفال و مصرف آن نیز اشاره داشته و آن را مانند غنیمت در خمس به مفهوم مطلق مطرح کرده و مصرف آن را نیز مصالح عمومی م ردم می دانند. سه سهم بعدی یتیمان، مساکین، ابن سبیل را مربوط به ذوی القربی دانسته که به سهم سادات مشهور است.

در مرحله چهارم، به فلسفه حکم پرداخته، می گوید که زکات، مالیات عمومی نیست، بلکه یک امر اختصاصی است و به یک اموال خاصی تعلق می گیرد، ولی خمس، مالیات عمومی است؛ نیمی از آن که سهم امام است جهت مصالح عمومی مردم و نیم دیگر که سهم سادات است به سادات نیازمند می رسد، و زیادی آن در مصالح عمومی مصرف می شود و دلیل این اختصاص، امتیاز مالی خاص به سادات نیست، بلکه به این دلیل است که سادات در حمایت از دین بیش از دیگران فعال بوده اند و اکثر قیام ها در تاریخ اسلام به وسیله آنها بوده است. ۳۶

استاد در بحث جهاد و صلح و نماز جمعه و امر به معروف و نهی از منکر ۳۷ و... آیات مربوطه را به همین شیوه بررسی کرده است.

۱۴. بهره گیری از نظریات نوین علمی

استاد در بعضی موارد از برخی نظریات علمی در تأیید و یا فهم اشاره های علمی قرآن بهره برده است، ولی سعی دارد آیات را تحت الشعاع مسائل علمی قرار ندهد به طوری که مبنای استنباط حکم شود؛ آن گونه که بعضی مفسران مانند طنطاوی و عبده کرده اند یا گاه در تفسیر نوین و پرتوی از قرآن دیده می شود که مورد انتقاد استاد نیز هست. استاد می نویسد:

(یک سلسله مسائل دیگری پیش می آید که در آنها باید از متخصصین دیگر استمداد کرد و آنها در این زمینه ها بحث هایی کرده اند... مسائلی که قرآن در باب طبیعت و به اصطلاح در طبیعیات آورده است، درباره باد بحث کرده، درباره باران بحث کرده، در باره زمین بحث کرده، درباره آسمان بحث کرده، درباره حیوانات بحث کرده است. البته در این قسمت مفسرین قدیم کم و بیش بحث کرده بودند، ولی علمای جدید از وقتی که علوم طبیعی پیشرفت خوب و نمایانی کرده است، بیشتر در این مسائل قرآن دقت کرده اند.

تفسیر طنطاوی بیشتر کوشش اش این است که طبیعیات قرآن را با توجه به طبیعیات جدید روشن کند و ثابت نماید که آنچه قرآن در این زمینه ها گفته است با آنچه که علم تدریجاً کشف می کند منطبق است یا لاقلاً منطبق تر است... طنطاوی بالخصوص ممکن است خیلی از حرف هایی که او گفت ته صددرصد قابل قبول نباشد... همین کتاب باد و باران آقای مهندس بازرگان من یک دور مطالعه کردم به نظرم خیلی فوق العاده آمد، یعنی خودش کشف یکی از اعجاز های قرآن در مسائل طبیعی است.) ۳۸

استاد همچون علامه طباطبایی معتقد است که:

(قرآن برای همه طبقه ها و گروه ها معجزه است، برای سخن سنجان از نظر بلاغت، برای حکما از نظر حکمت، برای دانشمندان از نظر جنبه های علمی، برای جامعه شناسان از نظر جهت اجتماعی، برای قانون گذاران از نظر قوانین عملی، برای سیاستمداران از نظر حقایق سیاسی، برای هیأت های حاکمه از نظر سیره حکومت، و سرانجام برای همه جهانیان از نظر اموری که به آن دسترسی ندارند، مانند علوم غیبی و پرهیز از ناهمگونی در سخن ها و قانون ها و عمل ها.) ۳۹

استاد در جای دیگر می نویسد:

(کرس موریسون کتابی دارد به نام آفرینش انسان. در آن کتاب این موضوعات را خیلی خوب شرح داده است.) ۴۰

گاهی نیز در تأیید مطالب قرآن از اقوال دانشمندان استفاده کرده و در جایی سخنان انیشتین و ویلیام جیمز را آورده است. ۴۱

۱۵. روی آوری به قرآن در زمینه مباحث اجتماعی

استاد به طور مشخص و آشکار، قرآن را در عرصه زندگی و عینیت جامعه مطرح می نمود و همین موجب نفوذ و جاذبه سخنان ایشان و کاربردی بودن آن شده بود، و از طرف دیگر به ویژه در پی اثبات توانایی دین در ارائه راهکارهای زندگی و نظام اجتماعی بود. بررسی موضوعاتی چون جامع ه و تاریخ، اصالت فرد یا جامعه، حقوق زن در اسلام، مسأله حجاب، تعلیم و تربیت در اسلام، امدادهای غیبی در زندگی بشر، انسان و سرنوشت، تکامل اجتماعی انسان، علل گرایش به مادی گری، نظری به نظام اقتصادی اسلام و ده ها مقاله در زمینه های اجتماعی، جهت گیری کار استاد را به خوبی نشان می دهد.

از این جهت ایشان به استاد خود علامه طباطبایی شباهت فوق العاده دارد و تحت تأثیر استاد می باشد.

گرایش استاد به شیوه تفسیر اجتماعی قرآن، علاوه بر تأثیر از علامه طباطبایی به دلیل احساس مسؤولیت و درد دین نسبت به ضعف ها و نارسایی ها در محیط دانشگاه و حوزه و مواجهه با انبوه سؤالات و شبهات جوانان بوده است.

می توان ابعاد کار اجتماعی - فرهنگی استاد را در محورهای زیر ملاحظه کرد:

۱. تبیین اسلام اصیل فقهاتی در برابر اسلام فقهاتی بعضی از حوزویان متحجر.
۲. تبیین اسلام ناب در برابر گرایش های التقاطی بعضی از دانشگاهیان، چه التقاط مارکسیستی در افکار جوانان و دانشگاهیان که به دلیل امواج مارکسیسم پس از چند انقلاب بزرگ جهانی پدید آمده بود، و چه التقاط غربی از طریق فلسفه های غربی و از راه ترجمه و یا تحصیل کردگ ان مسلمان که در غرب بوده اند و ناخودآگاه تحت تأثیر نگرش های غربی واقع شده اند.
۳. تبیین اسلام اصیل در برابر شعارهای ملی گرایانه و شیوه حکومت رژیم گذشته.

۱۶. بیان دیدگاه های گوناگون و منطق مخالفان

استاد درمباحث و موضوعات گوناگون به بررسی دیدگاه های گوناگون حتی مخالفان می پرداخت و آنها را نقد و بررسی می کرد.

مثلاً در مورد انسان و اصالت فرد یا جامعه می نویسد آیات کریمه قرآن نظریه سوم را تأیید می کند؛ یعنی هم اصالت فرد و هم اصالت جامعه را می پذیرد.

و در باره آیه ۳۴ سوره اعراف: (ولكلّ امةً اُجلٌ فاذا جاء اجلهم لا يستأخرون ساعةً و لا يستقدمون) می گوید، در این آیه سخن از یک حیات و زندگی است که لحظه پایان دارد و تخلف ناپذیر است، نه پیش افتادنی است و نه پس افتادنی، و این حیات به امت تعلق دارد و نه به افراد.

در جای دیگر قرآن مرگ و حیات را به فرد انسان هم نسبت می دهد. ۴۲

در مورد اذن می نویسد، سه دیدگاه درباره اذن الهی در نظام تکوین وجود دارد:

یکی بدون توجه به نظام حکیمانه اسباب و مسببات (جبر). دیگری بر اساس فقط نظام اسباب و مسببات (تفویض)، و سومی بر اساس امر بین الامرین؛ نه اینکه علل و اسباب دخالت ندارد و نه اینکه طوری است که خدا بخواهد و نخواهد، کار انجام شود. ۴۳

در مقوله تسبیح موجودات می نویسد: دو دیدگاه در مورد تسبیح وجود دارد، در ذیل آیه (ألم تر أنّ الله یسبّح له من فی السموات و الأرض و الطیر صافات کلّ قد علم صلاته و تسبیحه) این سلسله آیات، یعنی تسبیح همه موجودات در عالم مجموعاً دو گونه تفسیر شده است:

تفسیر اول، تفسیر حکیمانه است، حکیم ابونصر فارابی تسبیح موجودات را با زبان حال بیان کرده و می گوید: (صلّت السماء بدورانها و الارض برجانها والمطر بمطلانه). گردش آسمان، نماز آسمان است. زمین که تکان می خورد تکان خوردن زمین، نماز زمین است. باران که می ریزد ری زش باران، نماز باران است.

تفسیر دوم، تفسیر عارفانه است که آن طور نمی گوید، می گوید انسان های عادی تسبیح موجودات را نمی فهمند و این تسبیح به زبان قال است... داود، گوش دیگری داشت که به باطن و ملکوت اشیاء راه پیدا کرده بود. پیامبر اسلام(ص) نیز چنین بود و بعضی بزرگان گاه چنین حالتی داش ته اند. ۴۴

همچنین دیدگاه های گوناگون در مورد تفسیر (الله نور السموات و الارض) آورده است. در مورد حروف مقطعه نظریات گوناگون مانند نظریه تأویل، نظریه اشاعره، نظریه سوم و نظریه علامه طباطبایی را آورده است. در مورد منشأ مذهب نظریه فویر باخ، نظریه اگوست کنت و اسپنسر، نظری ه راسل، نظریه مارکسیسم و... را بیان و نقد و بررسی می نماید. ۴۵

استاد این شجاعت طرح نظرات مخالفان و پاسخ به آنها را از خود قرآن آموخته است. در این مورد می نویسد:

(از شجاعت های قرآن، یکی منعکس کردن منطق مخالفین از کفار و منافقین است و زیاد هم هست). ۴۶

ایشان معتقد است مخالفان نه تنها باید نظرات خود را ابراز نمایند، بلکه باید ما خود به دنبال شبهه شناسی باشیم.

(من بر خلاف بسیاری از افراد از تشکیکات و ایجاد شبهه هایی که در مسائل اسلامی می شود با همه علاقه و اعتقادی که به این دین دارم به هیچ وجه ناراحت نمی شوم، بلکه در ته دلم خوشحال می شوم، زیرا معتقدم که در عمر خود به تجربه مشاهده کرده ام که این آیین مقدس آسمان ی در هر جبهه از جبهه ها که بیشتر مورد حمله و تعرض واقع شده، با نیرومندی و سرفرازی و جلوه و رونق بیشتری آشکار شده است... بگذارید بگویند و بنویسند و سمینار بدهند و ایراد بگیرند تا آن که بدون آن که خود بخواهند، وسیله روشن شدن حقایق اسلامی گردند.) ۴۷

استاد مانند این سخن را در کتاب پیرامون جمهوری اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و امواج مخالفت های فراوان نگاشته، می نویسد:

(هر وقت جامعه از یک نوع آزادی فکری - و از روی سوء نیت - برخوردار بوده است این امر به ضرر اسلام تمام نشده، بلکه در نهایت به سود اسلام بوده. اگر در جامعه ما محیط آزاد برخورد آراء و عقاید به وجود بیاید به طوری که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرف هایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل، آراء و نظریات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین زمینه سالمی خواهد بود که اسلام هر چه بیشتر رشد می کند... و الا اگر جلوی فکر را بخواهیم بگیریم، اسلام و جمهوری اسلامی را شکست داده ایم.) ۴۸

۱۷. زنده بودن کارهای تفسیری استاد

پویایی و حیات بررسی های تفسیری استاد به طور عمده به دلایل گوناگون بود؛ از جمله اینکه استاد درد دین داشت، او فقط محقق نبود که بدون توجه به انجام وظیفه و رسالت دینی کارهای علمی انجام دهد، توجه به نیازهای زمان به شناخت سؤالات و شبهات زمان، شناخت نسل جوان و زبان او و ارتباط با تحصیل کرده های مسلمان در دانشگاه و محیط آن روز، از ویژگی های بارز ایشان بود.

استاد نه تنها از شبهات و پرسش ها ناراحت نمی شد، بلکه خود به دنبال شبهات جدید بود، بیشتر شبهات برون دینی از جانب تحصیل کرده ها و روشنفکران بود و اغلب شبهات درون دینی توسط حوزویان متحجر و سنتی های جامعه مطرح بود. استاد خود می نویسد:

(من مکرر در نوشته های خودم نوشته ام، من هرگز از پیدایش افراد شکاک در اجتماع که علیه اسلام سخنرانی کنند و مقاله بنویسند متأثر که نمی شوم هیچ، از یک نظر خوشحال هم می شوم، چون می دانم پیدایش اینها سبب می شود که چهره اسلام بیشتر نمایان بشود. وجود افراد شکاک و افرادی که علیه دین سخنرانی می کنند وقتی خطرناک است که حامیان دین آنقدر مرده و بی روح باشند که در مقام جواب برنیایند.) ۴۹

دفاع عقلانی در پاسخ به همه آنها شیوه عمومی استاد بود، آنچنان که سیره امامان(ع) با مخالفان فکری خود چنین بوده است.

۱۸. تأثیرپذیری بسیار از تفسیر المیزان

استاد فوق العاده تحت تأثیر علامه طباطبایی است، در همه آثار تفسیری خود بارها از تفسیر ایشان، شاهد، نمونه و تحلیل می آورد و حتی مدعی است آنچه فهمیده، از تفسیر المیزان دریافت نموده است.

استاد خود در مورد شخصیت علامه چنین اظهار نظر می کند:

(علامه طباطبایی(ره) مردی است که صدسال دیگر باید بنشینند و آثار او را تجزیه و تحلیل کنند و به ارزش او پی ببرند... این مرد واقعاً از خدمتگزاران بسیار بسیار بزرگ اسلام است... او کسی است که هم شخصیت اسلامی دارد - تنها شخصیتش، شخصیت شیعی نیست - و هم شخصی علمی جها نی.)

و در مورد تفسیر المیزان چنین می نویسد:

(کتاب تفسیر المیزان ایشان یکی از بهترین تفاسیری است که برای قرآن مجید نوشته شده است. این تفسیر از جنبه های خاصی... بهترین تفسیری است که در میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است.) ۵۰

شاید بتوان استاد مطهری را تنها شاگرد علامه طباطبایی دانست که سعی کرده به صراحت و مستقیم و گاه غیرمستقیم، علامه طباطبایی، دیدگاه ها و تفسیر گران سنگ المیزان را معرفی نماید. یکی از استادان قرآن پژوه در این باره می گوید:

(علامه مطالب بسیار نو و تحقیقات بسیار عمیق و عالی در این تفسیر مطرح کرده اند. نمی خواهم به کسی جسارت کنم، ولی شاگردان شاخص ایشان یا نفهمیده اند و به مطالب ایشان نتوانسته اند برسند، یا کوتاهی می کنند و هر یک از این دو دارای اشکال است.) ۵۱

به نمونه های اندکی از ارجاعات استاد به تفسیر المیزان توجه کنید.

استاد در داستان قضاوت داود در سوره ص آیه ۲۳ تا ۲۶، جریان قصه عشق داود به زن اوریا را ساخته یهود می داند و می نویسد:

(اینجا من همان مطلبی را عرض می کنم که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان فرموده اند، اگر چه بیان ایشان را چون در سطح بالا است نمی توان به سادگی گفت. ایشان می گویند: اولاً قضیه مسلم نیست که آنها فرشته بوده اند، و بر فرض این که فرشته بوده اند تمثّل فرشته بوده اند و تمثّل فرشته غیر از این است که در عالم مادی افرادی بر داود وارد شوند. ایشان می فرمایند: این مسأله که ما وظیفه داریم راست بگوییم و دروغ نگوییم مربوط به این است که در عالم مادی و عینی دو موجود در مقابل داود می آمدند و سخن شان را می گفتند و دروغ می گفت ند، ولی مسأله تمثّل، مسأله دیگری است، تمثّل یعنی حقیقتی به صورت دیگر ظهور پیدا کند، نظیر رؤیای صادقانه. در رؤیا که تمثّل است صدق و فسق به این معنی راه ندارد.) ۵۲

در بحث اعتقاد به نحس بودن برخی روزها و سعد بودن برخی دیگر می نویسد:

(علی رغم یک سلسله روایت که در این زمینه هست یک سلسله روایات دیگری داریم که در تفسیر المیزان، ذیل آیه (فی ایام نحسات) سوره فصلت ذکر شده است. از مجموع روایاتی که از اهل بیت

اطهار رسیده است این مطلب استنباط می شود که این امور یا اساساً اثر ندارد و یا هم آگ ر دارد
توسل به پیغمبر (ص) و اهل بیت (ع) اثر آنها را از بین می برد. ۵۳
در جای دیگر در مورد اینکه آیا پیامبران و رسول اکرم برای رسیدن به اهداف خود از ابزار و وسائل
نامقدس استفاده کرده اند یا خیر می نویسد:

(آیا این کارها درست است که انسان برای هدف مقدس از وسایل نامقدس استفاده بکند؟ نه این کار
غلط است... تفسیر المیزان... همین مطلب را ذکر کرده اند که هرگز انبیاء در سیره و روش
خودشان برای رسیدن به حق از باطل استفاده نمی کنند و برای رسیدن به حق، از خود حق
استفاده می کنند.) ۵۴

در جای دیگر در تفسیر آیه (ان الله ليس بظلام للعبيد) می نویسد:
(وجه صحیحش همان است که علامه طباطبایی دامت برکاته در تفسیر المیزان می فرمایند...
خدا، یا عادل است یا ظلام... چون اگر العیاذ بالله قانون عالم بنایش بر ظلم باشد دیگر شامل یک
فرد بالخصوص و یک کار بالخصوص نیست، شامل همه چیز است.) ۵۵
در جای دیگری می نویسد:

(نکته ای علامه طباطبایی ذکر کرده اند و نکته خوبی هم هست و آن این است: مسأله ای که فوق
العاده نظر را جلب می کند این است که چطور است که منافقین تا پیغمبر اکرم زنده هستند
تحریکات می کنند، ولی پیغمبر که از دنیا می رود و دوره خلافت خلفا می رسد دیگر نامی از ای ن
منافقین نیست؟ ... آیا پیغمبر از دنیا رفت یکمرتبه بی دین ها مؤمن واقعی شدند و یا اینها در
دوره خلافت، منافع خودشان را تأمین یافته دیدند و از این جهت صدایشان خوابید؟)
بررسی ویژگی های تفسیری استاد علامه مطهری نیاز به مطالعه مجموعه آثار ایشان و شناخت
زوایای فکری، روحی، معنوی و اجتماعی این شخصیت بزرگ دارد که مجالش بیش از این مختصر را
می طلبد.

سلام بر او روزی که متولد شد و روزی که شهید شد و روزی که برانگیخته شود.

۱. شیخ شهید، ۱۱.

۲. همان، ۳۷.

۳. محقق، جواد، تاوان عشق، ۱۶.

۴. خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی، ۴۳۸.

۵. محقق، جواد، تاوان عشق، ۱۴.

۶. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ۲ - ۱۰ / ۱.

۷. همان، ۲ - ۱۲ / ۱.

۸. همان، ۲ - ۱۶ / ۱ و ۱۸.

۹. همان، ۱۳۳ / ۳.

۱۰. همان، ۲ - ۲۱ / ۱.

۱۱. همان، ۱۳۴/۳.
۱۲. همو، سیری در نهج البلاغه، ۲۶۳.
۱۳. فصلنامه پژوهشهای قرآنی، ۱۰ - ۹ / ۲۷۳.
۱۴. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ۲ - ۱ / ۲۴ به بعد.
۱۵. همان، ۲۸.
۱۶. همان، ۴۸ به بعد.
۱۷. همان، ۳۵ و ۳۸.
۱۸. همان، ۲۱ - ۲۰.
۱۹. همان، ۲۵.
۲۰. همان، ۶۱/۳.
۲۱. همان، ۵۰/۵.
۲۲. همان، ۶۱/۳ و ۶۸/۵ به بعد و ۲۳۷؛ فطرت، ۳۴ به بعد و ۸۷ به بعد.
۲۳. همان، ۱ - ۲ / ۲۰ و ۱۰۴، ۴۲/۷، ۶۵/۲ به بعد، ۱۱۵/۲، ۲۳/۵، ۱۳۶ و ۲۴۶؛ همو، جهاد، ۶۱؛ همو، سیری در سیره نبوی، ۴۷.
۲۴. همو، آشنایی با قرآن، ۱ - ۲ / ۱۴.
۲۵. همان، ۱۷۱/۵.
۲۶. همان، ۱ - ۲ / ۲۰.
۲۷. همان، ۱۵۰ - ۱۶۹ و ۱۹۳/۳ به بعد و ۲۱۰ به بعد و ۲۰۳/۵ به بعد و ۲۱۴ به بعد.
۲۸. همان، ۲۱۱ / ۵ - ۲۱۲ با تلخیص.
۲۹. همان، ۵ - ۲۱۴ تا ۲۲۶ با تغییر اندک.
۳۰. همان، ۱۱۵/۳ تا ۱۲۱.
۳۱. همان، ۱۸۸ / ۳ - ۱۹۷، ۱ - ۲ / ۱۶۹ به بعد و ۲۰۴ به بعد، ۱۶۳ / ۷ به بعد، ۱۶۹/۴ به بعد.
۳۲. همو، حق و باطل، ۱۲۵ تا ۱۷۵ و ۳۴ به بعد.
۳۳. صدر، محمد باقر، علم الاصول، ۱۳۰/۱.
۳۴. مطهری، مرتضی، شناخت قرآن، ۲۳، ۲۴.
۳۵. همو، سیره نبوی، ۷۶.
۳۶. همو، آشنایی با قرآن، ۶۱/۳ به بعد.
۳۷. همان، ۸۲/۷ به بعد و ...
۳۸. همو، نبوت، ۲۲۳ - ۲۲۵.
۳۹. طباطبایی، المیزان، ۶۰/۱.
۴۰. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ۱۷۰/۵.
۴۱. همان، ۱ - ۲ / ۳۷ و ۳۸.
۴۲. همو، جامعه و تاریخ، ۲۰ به بعد با تلخیص.

۴۳. همو، آشنایی با قرآن، ۱۶۳ / ۷ به بعد.
۴۴. همان، ۱۶۹ / ۴ به بعد.
۴۵. همان، ۹۷ به بعد و ۲ - ۱ / ۱۲۱ به بعد و ۵ / ۶۷؛ همو، نبوت، ۱۰۵ به بعد؛ فطرت، ۱۶۶ به بعد.
۴۶. همو، حماسه حسینی، ۲۱ / ۳.
۴۷. همو، نظام حقوق زن در اسلام، ۲۳۲.
۴۸. همو، پیرامون انقلاب اسلامی، ۶۳، ۶۴، ۱۳۴.
۴۹. همان، ۱۳۴.
۵۰. همو، حق و باطل، ۸۶ و ۸۷.
۵۱. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ۱۰ - ۹ / ۲۷۰.
۵۲. مطهری، مرتضی، سیره نبوی، ۷۶.
۵۳. همان، ۳۰.
۵۴. همان، ۱۲۲ به بعد.
۵۵. همو، آشنایی با قرآن، ۱۲۴ / ۳.